



8 دسامبر 2013

داکتر سید عبدالله کاظم

امریکا از امضای پیمان امنیتی با افغانستان چه هدف دارد؟

رئیس جمهور کرزی در یک بیانیه خود که در کنفرانس صنایع ملی بتاريخ 27 نوامبر 2012 ایراد کرد، با اشاره به «سند امنیتی با واشنگتن» راجع به اینکه ما از امریکا چه می‌خواهیم، چنین گفت: «ما همراهی امریکائی‌ها و غربی‌ها هم یک معامله می‌کردیم که نه سیخ بسوزد و نه کباب، که هم منفعت ما را آنها قبول کنند و هم ما به جائیکه آنها بسیار حساس هستند، دست نزنیم و اما منفعت خود را از آنها صد درصد بخواهیم که بندهای ما را بسازند و کمک نمایند، پروژه‌های بزرگ اقتصادی ما را کمک نمایند، اردوی ملی ما را تقویه کنند و مجهز به طیاره و اسلحه ضروری نمایند، پولیس و استخبارات ما را تقویه نمایند، بقیه آنها که در منطقه هرچی میکنند، ما [به آن] کار نداریم.»

کرزی در بیانیه فوق به ضرورت‌های واقعی کشور و مطالبات معقول از امریکائی‌ها تماس گرفت که اساساً باید این تقاضاها را در طول سالهای گذشته مطرح و بر آن اصرار میکرد. اما آنچه را که اکنون بعد از گذشت یک سال آماده شدن مسوده موافقتنامه امنیتی و پس از بحث در جرگه مشورتی شرط امضای آن سند میداند، با آنچه یک سال قبل گفته بود، فرق بارز دارد که گویا اصل را نادیده گرفته و به فرع چسبیده است به این عبارت که حالا کرزی امضای سند امنیتی را به دو شرط موکول میکند: یکی ختم کامل عملیات نیروهای خارجی بالای خانه‌های مردم افغانستان و دیگر آغاز عملی روند صلح.

در حالیکه جانب امریکا و متحدینش در افغانستان بنا بر دلایلی جداً تقاضا دارند تا این موافقتنامه هرچه زودتر و حتی تا ختم سال جاری یعنی چهار هفته دیگر باید امضا گردد و اما رئیس جمهور کرزی میگوید که برای امضای این موافقتنامه عجله نداریم تاوقتیکه از تحقق پیش شرط‌های خویش مطمئن نشویم و علاوه میدارد که موافقتنامه میتواند بعد از انتخابات به وسیله رئیس جمهور جدید امضا شود.

این سردرگمی از یکطرف بین جامعه جهانی و حکومت افغانستان موجب بروز مشکلات و بی باوری‌ها گردیده و اصرار مزید جانبین از موقف‌های فعلی شان وضع را بیک بن بست خطیر کشانیده است که به نظر بعضی‌ها اگر معضله حل نشود، موجب خروج کامل قوای بین المللی و امریکا از افغانستان خواهد شد و توأم با آن کمک‌های جامعه جهانی به افغانستان شدیداً کاهش خواهد یافت، از طرف دیگر در داخل کشور نیز آینده‌ای نامعلوم موجب بروز ناراحتی و نگرانی‌ها بین حلقه‌های مختلف جامعه گردیده و مردم را به دو گروپ تقسیم کرده است که تعدادی کثیر طرفدار امضای فوری موافقتنامه میباشند و اما عده‌ای دیگر از جمله کسانی که بخصوص تحت تأثیر مخالفت‌های علنی و غیر علنی دو کشور همسایه (ایران و پاکستان) و یا تبلیغ مخالفان مسلح و یا احساسات ملی قرار دارند، امضای همچو موافقتنامه را بطور کل رد میکنند و آنرا «تداوم اشغال» میدانند و یا اینکه امضای آنرا موکول به تضمین عملی ساختن پیش شرط‌های مطرحه رئیس جمهور کرزی می‌سازند.

تغییر لحن رئیس جمهور گاهی با شدت و گاهی با ملایمت و طرح خواست‌های متفاوت، این احساس را بین حلقه‌های داخلی و خارجی به وجود آورده است که گویا ارائه پیش شرط‌ها بیشتر وجه «بهانه‌گیری» را دارد و بر مبنای نکات فرعی و اغلب غیر عملی استوار میباشند. طور مثال رئیس جمهور در بیانیه خود خطاب به اعضای جرگه مشورتی گفت: «نیروهای ایالات متحده به منظور اجرای عملیات نظامی به خانه‌های مردم افغانستان به استثنای موارد فوق العاده آبی داخل شده نمی‌توانند و این هم درحالاتی خواهد بود که خطر جدی متوجه زندگی اتباع امریکا باشد» (1) و آقای کرزی با قرائت قسمتی از نامه رئیس جمهور امریکا در بیانیه خود در روز ختم جرگه مشورتی قناعت کرد و این موضوع را حل شده پنداشت، اما اکنون بار دیگر آن را با قاطعیت مطرح می‌سازد که گویا گفتار

د پانوی شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

قبلی خود را از یاد برده است. کرزی در مورد آغاز فوری عملیه صلح یک بار میگوید که: «کلید صلح بدست امریکا و پاکستان» است، و بعد آنرا به: «همکاری صادقانه امریکا برای از سرگیری مذاکرات با طالبان که پس از بسته شدن دفتر قطر متوقف شد»، مربوط میداند و اما در مذاکره با دابنز — نماینده مخصوص امریکا در امور افغانستان و پاکستان اذعان میدارد که: «اگر مداخلات خارجی در افغانستان متوقف شوند، صلح در این کشور تأمین خواهد شد».

از ورای این نوع بیانات معلوم میگردد که رئیس جمهور کرزی در مورد چگونگی عملیه صلح یک نظر مشخص ندارد، گاهی آنرا با آغاز مذاکرات با طالبان خلاصه میکند و گاهی صلح را در کشور به توقف مداخلات خارجی مربوط میداند که در هر دو حالت موضوع غیردقیق بوده و فاقد یک میکانیسم مشخص برای رسیدن به صلح میباشد. اینچنین اظهارات حتی بر موقفگیری بعضی از صاحب نظران تأثیر انداخته و میگویند که: «امریکا اول باید صلح را بیاورد، بعد موافقتنامه را امضا کند»، ولی این هموطنان از خود نمی پرسند که اگر صلح قبل از امضای موافقتنامه تأمین گردد، پس امضای موافقتنامه چه لزوم خواهد داشت؟ در این ارتباط باید گفت که تحقق آرزومندی صلح بطور کل بسته به عواملی اند که بصورت فوری میسر نیست و میتواند پس از امضای موافقتنامه به وجه بهتر برآورده شود تا قبل از آن.

بهر حال روابط سردی که بین رئیس جمهور کرزی و حکومت امریکا تحت زعامت بارک اوباما بخصوص بعد از انتخابات 2009 ریاست جمهوری افغانستان به وجود آمد و هر روز به شدت آن افزوده میشود، در امضای این موافقتنامه بطور واضح اثر گذار میباشد، طوریکه سخنان غیر دیپلماتیک رئیس جمهور کرزی در مورد امریکا طی این چند سال اخیر فضای روابط دو کشور را متشنج ساخته و موجب بروز بی اعتمادی بین آنها گردیده است. اگر از ذکر ده ها مثال در زمینه بگذریم، یک مثال میتواند عمق این وضع را بخوبی بیان کند، چنانکه آقای کرزی در یک کنفرانس مطبوعاتی در حضور جم غفیری از نمایندگان رسانه ها و شخصیت های سرشناس که در ارگ ریاست جمهوری بتاريخ 14 نوامبر 2012 دائر گردیده بود، گفت: «امریکا باید ثبات سیاسی افغانستان را قبول کند، امریکا علاقه ندارد افغانستان صاحب زیربناها شود، امریکا علاقه ندارد که در اینجا برق تولید شود و ما را از واردات بی نیاز سازد»؛ او در ادامه روی به اشخاص حاضر کرد و گفت: «بعضی خلقی ها و پرچی ها اینجا هستند، مجاهدین خفه نشوند، مثلاً سلیمان لایق اینجا حضور دارد، استاد خلق و پرچم استاد خوب بود، اما استاد ما دزد است، پر از فساد است و جلیباز...» (2)

در موجودیت همچو فضای متشنج که معلوم نیست چرا آقای کرزی به آن دامن میزند و میکوشد بار همه مسئولیت ها، از جمله برهم خوردن صلح و امنیت و عدم توجه به انکشاف اقتصادی را بدوش امریکائی ها بیندازد، در حالیکه از بیکیفایتی حکومت، از بی برنامگی اقتصادی و سیاسی، از اداره غرق در فساد، از مصلحت گرایی های بی لزوم، از سوء استفاده های بزرگ اراکین دولت و چور و چپاول دارائی های عامه بوسیله زورمندان در داخل دستگاه هیچ یاد نمیکند. در موجودیت همچو فضای پرتشنج واضح است که امضای موافقتنامه امنیتی تحت تأثیر عقده های شخصی و روابط خصوصی قرار میگیرد و روابط دو کشور را در این موقع حساس با مشکلات زیاد مواجه می سازد، چنانکه رئیس جمهور کرزی امضای موافقتنامه را به دلایل بیشتر احساسی به تعویق می اندازد و اما جانب امریکائی خواهان امضای فوری آن میباشد و این اختلاف نظر سرنوشت افغانستان را بیک حالت موهوم می کشاند.

در این میان بسیاری مردم از خود می پرسند که چرا امریکا و متحدین ناتو بر سر امضای موافقتنامه، آنهم به زودترین فرصت اصرار دارند و چه «نیم کاسه ای زیر کاسه» این اصرار نهفته خواهد بود؟ واقعاً این سؤالیست که تاحال کمتر به آن جواب ارائه شده است. نبود وضاحت لازم در این مورد، اخیراً موجب شده تا مخالفان نیز شایعات و تبلیغاتی را پخش کنند که گویا امریکا میخواهد با امضای این موافقتنامه افغانستان را برای همیشه زیر سلطه خود نگهدارد و با استفاده از موقعیت ستراتیژیک آن نفوذ خود را، آنهم بیشتر در برابر چین و دیگر کشورهای منطقه پخش نماید و یا به نظر برخی دیگر: امریکا به منابع زیرزمینی افغانستان چشم دوخته و میخواهد این منابع را در انحصار خود داشته باشد و یا اینکه: امریکا میخواهد افغانستان را به حیث «تخت خیز» بسوی کشورهای آسیای مرکزی بکار گیرد.

اینکه پخش همچونظریات و شایعات در بین مردم تاحد زیاد کار ایران و پاکستان و جریان های چپ و راست افراطی در داخل و خارج کشور، بخصوص گروه های مسلح مخالف دولت افغانستان خواهد بود، جای شک نیست. شاید در پشت پرده چنین اهدافی وجود داشته باشد که در صحت و سقم آن قضاوت قطعی کار مشکل است، ولی تاجائیکه دلایل

و شواهد نشان می‌دهد تأکید امریکا برای امضای موافقتنامه و نیز اصرار بر امضای فوری آن دلائل متعدد دارد که میتوان این دلائل و انگیزه‌ها را تحت فقرات جداگانه ذیل مورد بحث قرار داد:

1 - اهداف طولی مدت امریکا:

پس از سقوط شوروی سابق و پایان جنگ سرد جهان یک قطبه شد و امریکا به حیث یگانه ابرقدرت جهانی تبارز کرد. با قدرتمند شدن چین و هند طی دو دهه اخیر و نیز دوباره مبدل شدن روسیه به حیث یک قدرت، امریکا را به این نظر آورد تا در عرصه جهانی بجای توجه به طرق نظامی (طوریکه در جنگ سرد و بعداً در دوره هشت ساله ریاست جمهوری جارج بوش مطرح گردید)، به دیپلماسی و تفاهم با کشورهای قدرتمند توسل جوید و به نحوی در تقسیم منافع جهانی شیوه سازش و نوعی از «امتیاز دهی و امتیاز گیری» را درپیش گیرد. به اساس این سیاست که بخصوص طی شش سال اخیر از طرف اداره اوپاما بطور محسوس پیش برده میشود، از مدتیست که امریکا توجه خود را قدم بقدم و با احتیاط کامل بسوی چین معطوف کرده است تا در صورت امکان با آن کشور در مورد تقسیم منافع منطقوی در قاره آسیا بیک تفاهم دراز مدت برسد، طوریکه بگذارد نفوذ چین در افغانستان و کشورهای منطقه بیشتر گردد و در بدل آن چین حاضر شود از رقابت جدی به منافع امریکا در شرق دور یعنی آسیای جنوب شرقی خودداری کند.

اینکه چرا امریکا در این معامله چین را مورد نظر قرار داده است، دلیل آن میتواند بر این مبنا استوار باشد که چین قادر است در منطقه ثبات و امنیت لازم را استحکام بخشد، زیرا همین حالا چین از یکطرف در پاکستان در ساحات مختلف سرمایه گذاری کرده و در انکشاف امور سلاح زروی آن کشور و نیز در توسعه بندر «گوادر» و شاهراه موسوم به «قرآرم» که راه بحری را با ایالت «سیگیانگ» وصل میکند، نقش بسیار بارز دارد؛ از طرف دیگر چین از مدتیست با ایران روابط بسیار دوستانه و عمیق برقرار کرده است. در این حال چون افغانستان یک کشور محاط به خشکه است و از این ناحیه دسترسی مستقیم امریکا به افغانستان دچار مشکل می باشد و نیز دو کشور همسایه ایران و پاکستان هر یک آجندای دیرینه در افغانستان دارند که بطور کل مانع ثبات افغانستان زیر حمایت امریکا میگردند، لذا امریکائی‌ها چانس موفقیت خود را در اقامت دراز مدت در افغانستان بسیار ضعیف و پر از مشکلات می بینند و با وجود صرف پول و دادن قربانی از آینده خوب در این منطقه چندان امیدوار نیستند. روی این ملحوظ یگانه کشوری که توان حفظ امنیت و چانس استفاده از موقعیت ستراتیژیک افغانستان را بخصوص در راه مبارزه با تروریسم و سرکوبی عناصر فعال وابسته به القاعده و گروههای مربوطه در منطقه دارد، چین خواهد بود. علاوه بر این چین که از همه بیشتر به کمبود مواد انرژی تیل و گاز مواجه است و نیز به منابع معدنی ضرورت دارد، نفوذ در افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی بسیار پرمفعت بوده و آن کشور را در اینکار تشویق خواهد کرد تا در گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در منطقه بکوشد.

راجع به اینکه امریکا میخواهد از نظر طولی مدت محل عطف خود را از آسیای مرکزی و افغانستان بسوی کشورهای جنوب شرق آسیا تغییر دهد، طی یکی دو سال اخیر مطالب زیاد در رسانه های معتبر امریکائی به نشر رسیده است که ذکر همه در این مختصر نمیگنجد، اما طور مثال میتوان از یک مقاله خانم وندا براون — یکی از تحلیلگران ارشد موسسه «بروکینگز» امریکا نام برد که تحت عنوان «توافقتنامه امنیتی به نفع کیست: امریکا یا افغانستان» در سایت بی بی سی بتاريخ 17 نوامبر 2013 به نشر رسید. خانم براون ضمن شرح اینکه افغانستان از امضای موافقتنامه امنیتی با امریکا بیشترین نفع را خواهد برد، به این موضوع نیز اشاره کرده است که:

رئیس جمهور افغانستان عقیده دارد که امریکا نمیتواند از افغانستان خارج شود، زیرا امریکا با استفاده از افغانستان به حیث زینه خیز، یک بازی بزرگ جدید را در آسیای مرکزی در مقابل چین و روسیه دنبال میکند و آقای کرزی تمرکز ستراتیژیک اصلی امریکا را روی همین مسأله میداند، درحالیکه این درک ستراتیژیک کاملاً با دیدگاه امریکا نسبت به حضورش در منطقه متفاوت است. او در ارتباط با این موضوع می نویسد: «امریکا نه افغانستان و نه آسیای مرکزی را، بلکه شرق آسیا را در کانون توجه ستراتیژیک خود قرار داده است. تلاش برای اینکه چین به یک قدرت مسالمت آمیز مبدل شود، از اولویت های سیاست خارجی واشنگتن است. امریکا جنوب شرق آسیا و هند — و نه افغانستان و آسیای مرکزی — را عرصه مهم برای پیگیری این هدف میداند. بر علاوه امریکا در شرق میانه گرفتار است: سوریه و مصر در آتش بحران می سوزند، جنگ سرد میان ایران و عربستان سعودی در جریان است و امریکا

د پانو شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

سعی بسیار برای حل مسأله بغرنج اسرائیل و فلسطین بخرچ می دهد. بسیاری از سیاستمداران امریکائی و حتی شاید بسیاری از مقامات قصر سفید، افغانستان را مسئولیت نابخردانه و فاقد اهمیت ستراتژیک می دانند». (3)

خانم براون در این زمینه می نگارد: «بسیاری از مقامات امریکائی، از جمله بعضی اعضای کانگرس این کشور معتقد اند که امریکا باید بطور کامل از افغانستان خارج شود و هم مردم امریکا و بسیاری از نمایندگان آنها در کانگرس بر این باور اند که امریکا به اندازه کافی برای افغانستان مایه گذاشته و به حد کافی تهدیدات تروریستی موجود در منطقه را سرکوب کرده است و حالا وقت بازگشت به خانه و تمرکز بر مشکلات داخلی کشور، از جمله رشد اقتصادی، اشتغال، مسائل اجتماعی و..... رسیده است. اگر موافقتنامه امنیتی دوجانبه میان امریکا و افغانستان امضا نشود، بسیاری از سیاستمداران و شهروندان امریکائی به هیچ وجه ناراحت نخواهند شد».

به نظر بعضی ها اینکه امریکا از مدت چند سال بدینسو در برابر پروژه های بزرگ سرمایه گذاری چین در افغانستان از جمله مس عینک و استخراج تیل شمال دریای آمو و غیره مانع ایجاد نکرده و گذاشته است که این روند تدریجی پیش برود، نشانه های از توجیه مقدماتی این تغییر عمده ای سیاست امریکا در منطقه می دانند.

2 - اهداف متوسط المدت امریکا:

امریکا به همان سرعت که پای خود را از جنگ فرسایشی عراق بیرون کرد، در افغانستان نمی خواهد از عجله کار گیرد. ستراتژی خروج امریکا از افغانستان شامل اهداف متوسط المدت آن کشور است، چنانکه نخست با تشدید عملیات نظامی طی سالهای 2009 تا 2011 کوشید که زمینه امنیت و ثبات نسبی را در افغانستان فراهم سازد تا در پرتو آن بتواند به نام «نیک» قوای خود را تدریجاً از افغانستان بیرون کند و مسئولیت های امنیتی را به نیروهای امنیتی افغانی بسپارد. لذا با تشدید عملیات نظامی طی سالهای فوق آنها توانستند مخالفان مسلح دولت افغانستان را از صحنه جنگ های «حمله و گریز» دورکنند، ولی مخالفان با استفاده از تاکتیکهای جدید عملیاتی به شکل حملات انتحاری، بمب گذاریهای کنار جاده در برابر قوای خارجی و قوای افغانی، تولید ترس و وحشت و حمله بر محلات پرتجمع و ترور شخصیت ها فعالیت های تخریبی خود را بطور روز افزون تا امروز توسعه دادند که این وضع بیرون رفتن «موفقیت آمیز» امریکا و ناتو را در موقع معین 2014 مواجه به مشکل ساخت. به این اساس امریکا و کشورهای ناتو در صدد آن شدند که با امضای پیمان ستراتژیک با افغانستان خروج قوای خود را به شکل دیگر در چهار چوب یک پلان ده ساله متوسط المدت عملی سازند تا بدانوسیله عملیات خود را علیه تروریسم در منطقه پیش ببرند.

به تاسی از این پلان موافقتنامه ستراتژیک بین ایالات متحده امریکا و افغانستان سال قبل بتاریخ 2 می 2012 بعد از تصدیق شورای ملی افغانستان بین طرفین به امضا رسید. رسیدگی به مسائل امنیتی در این موافقتنامه موکول به امضای موافقتنامه امنیتی گردید که متن آن بعد از مذاکرات طولانی بالاخره در روزهای اخیر ماه عقرب (اواسط نوامبر) نشانی شد و پس از آن رئیس جمهور آنرا به صلاحیت خود به غرض مشوره به «جرگه مشورتی» رویت داد که در مجموع مورد تأیید اعضای آن جرگه با ارائه بعضی مشوره ها قرار گرفت. از آن به بعد طوریکه در آغاز اشاره شد، امضای آن به وسیله رئیس جمهور با ارائه دلایلی چند درحالت بی سرنوشتی قرار دارد.

با امضای این موافقتنامه که مأموریت قوای بین المللی (امریکا و ناتو) برطبق فیصله شورای امنیت ملل متحد در ختم سال 2014 پایان می یابد، مکلفیت های مستقیم امریکا و بعضی کشورهای ناتو و دولت افغانستان برای ده سال یعنی از شروع 2015 تا خاتم 2024 آغاز میگردد که برطبق آن تمام نیروی های جنگی خارجی از افغانستان خارج میگردند و بجای آن یک تعداد مشخص نیروهای خارجی برطبق قراردادهای جداگانه به مقصد تعلیم و تربیه نیروهای اردوی ملی و پولیس ملی افغانستان در 9 پایگاه امریکائی مشتمل بر یکی دو پایگاه ناتو مستقر خواهند شد که برطبق مواد موافقتنامه عمل خواهند کرد.

پلان متوسط المدت امریکا در افغانستان را بارک اوباما رئیس جمهور امریکا ضمن ایراد بیانیه در اجلاس مشترک سنا و مجلس نمایندگان امریکا بتاریخ 12 فبروری 2013 رسماً چنین اعلام کرد:

«امشب همه ما متحدانه به عساکر و افراد ملکی خود احترام می گذاریم که هرروز برای حفاظت ما قربانی میدهند. از آنرو با اطمینان امروز گفته میتوانیم که امریکا ماموریت خود را در افغانستان تکمیل خواهد کرد و به اهداف خویش مبنی بر شکست حلقه القاعده خواهیم رسید. تاحال ما 33000 عسکر شجاع خود را اعم از مردان و زنان به کشور

د پانو شمیره: له 4 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

برگشت داده ایم. در این بهار قوای ما به نقش حمایتی در خواهد آمد، در حالیکه قوای امنیتی افغان پیشقدم خواهند شد. امشب میتوانم علاوه کنم که در طول سال آینده 34000 عسکر دیگر امریکائی از افغانستان به وطن برمیگردند. این برگشت ها ادامه خواهد یافت و با ختم سال آینده جنگ ما در افغانستان پایان خواهد یافت. بعد از 2014 تعهد امریکا به یک افغانستان متحد و مستقل ادامه خواهد داشت، لکن ماهیت تعهد ما تغییر خواهد کرد. ما درباره عقد یک موافقتنامه با حکومت افغانستان در حال مذاکره هستیم که متمرکز به دو وظیفه است: یکی آموزش و تجهیز اردوی افغانستان، طوریکه آن کشور بار دیگر در لجن مصیبت فرو نرود و دیگر تلاش بر علیه تروریسم، تا بقایای القاعده و وابستگان شان را بتوانیم تعقیب و مراقبت کنیم».

رئیس جمهور امریکا در ادامه چنین گفت: «امروز سازمانیکه در 9/11 بر ما حمله کرد، بیک شبهه تبدیل شده است و اما همکاران القاعده و گروه های افراطی از کشورهای عربی تا افریقا بجای آن سر بلند کرده اند. خطر این گروه ها برای ما وجود دارد، ولی برای مقابله در برابر آن ضرورت به اعزام ده ها هزار پسر و دختر خود به خارج نداریم و یا اینکه دیگر کشورها را اشغال کنیم. بجای آن لازم است تا کشورهای مثل یمن، لیبیا و سومالیا را در راستای حفظ امنیت کمک کنیم تا خود شان امنیت خود را نگهدارند و به متحدین کمک کنیم تا جنگ علیه تروریسم را خود پیش ببرند، طوریکه در مالی اینکار صورت گرفته است و در صورت لزوم تا حدود امکانات ما به اقدام مستقیم علیه انجده تروریست ها ادامه خواهیم داد که در برابر امریکا ایجاد خطر نمایند، همچنان ما باید ارزش های خود را در جنگ تعیین کنیم. از اینرو اداره من با جدیت می کوشد که یک چارچوب حقوقی و سیاسی را برای رهنمائی عملیات ضد تروریستی آماده سازد. از این موضوع ما کانگرس را بطور کل واقف ساخته ایم، لذا درامه های آینده ما معلومات بیشتر در زمینه بازداشت، حبس و محاکمه تروریست ها بر طبق قوانین خود ما و سیستم بررسی که برای مردم امریکا و جهان شفاف باشد، ارائه خواهیم کرد» (4)

از متن فوق هدف اصلی امضای موافقتنامه امنیتی با افغانستان واضح میگردد و مقصد اساسی آن همانا تشکیل پایگاه های امریکائی مبنی بر ادامه مبارزه علیه تروریسم و بقایای القاعده در منطقه و بخصوص افغانستان و ماورای سرحد یعنی در پاکستان میباشد که از آن تاریخ به بعد با افزایش حملات طیاره های بی پیلوت در آنطرف سرحد این هدف دنبال میگردد. از آنجائیکه امریکا در پاکستان پایگاه ندارد، لذا یگانه امکان ادامه همچو فعالیت ها از افغانستان متصور است و چون با پایان رسیدن سال 2014 امریکا نمیتواند از میدانهای هوایی افغانستان علیه تروریست ها به وسیله طیارات بی پیلوت استفاده نماید، از آنرو امریکا به مقصد سرکوبی لانه های تروریستی و جلوگیری از انتشار فعالیت های شان در افغانستان به داشتن پایگاه ها بخصوص در حواشی سرحد با پاکستان نیاز دارد.

دلالتی که نیاز امریکا را به داشتن پایگاه در افغانستان بیان میکند، در یک مقاله تحلیلی تحت عنوان «چرا عساکر امریکائی باید در افغانستان باقی بمانند؟» منتشره و اشنگتن پست مورخ 24 نوامبر 2014 به تفصیل تشریح شده است که مختصر آن ذیلآ تقدیم میگردد (5):

از آنجائیکه تمرکز اصلی تروریست ها در نواحی قبائلی پاکستان قرار دارد، پس از خروج قوای امریکائی از افغانستان فقط سه امکان برای مقابله با تروریست ها در آن مناطق وجود دارد: یکی استفاده از طیارات بی پیلوت، دیگر اعزام قوای مخصوص و سوم عملیات به وسیله فیر راکت های رهبری شده از طیارات جنگی. واضح است که امکان سوم یعنی نشانه گیری دقیق فیر راکت ها رهبری شده از ارتفاع بلند با سرعت زیاد طیاره مشکل است و خطر تخریب و کشتار مردم بیگناه را زیاد می سازد، لذا استفاده از این امکان مطلوب نمی باشد. اما استفاده از قوای مخصوص بوسیله هلیکوپتر و همچنان استفاده از طیاره های بی پیلوت از پایگاه های امریکائی مقیم کشورهای خلیج نظر به بُعد فاصله و فقدان توانائی پرواز رفت و برگشت آنها به آن ساحه امکان پذیر نیست، لذا یگانه امکان همانا داشتن پایگاه ها در افغانستان است که میتوان از آن علیه تروریسم به وسیله طیاره های بی پیلوت و نیز در صورت لزوم از قوای مخصوص مجهز با هلیکوپترهای پیشرفته مقیم در پایگاه های افغانستان استفاده کرد. در مقاله آمده است که: فاصله رفت و برگشت از وزیرستان شمالی تا نزدیکترین پایگاه امریکائی واقع کشورهای خلیج بیش از 1200 میل است، در حالیکه طیاره های بی پیلوت قادر نیستند فاصله بیش از 1150 میل را طی کنند. در اینحال با موجودیت پایگاه در افغانستان این فاصله بسیار کوتاه میگردد مثلاً خوست و یا جلال آباد از محلات مورد نظر عملیاتی در آنسوی سرحد در حدود 100 میل فاصله دارند.

مقاله مذکور البته با شرح بیشتر جزئیات و ارائه ارقام می پردازد که برای همچو ماموریت چه وسائل و تجهیزات در هریکگاه ضرورت است و در نهایت به این نتیجه میرسد که برای این هدف جمعاً در حدود 15000 نفر از عساکر امریکائی واجد شرایط خاص عملیاتی لازم میباشد.

3 - اهداف کوتاه مدت امریکا:

اینکه چرا امریکا و ناتو در مورد امضای هرچه زودتر موافقتنامه امنیتی اصرار دارند، شامل پلانهای کوتاه مدت آنها در ارتباط با فراهم آوری زمینه های تأسیس و تجهیز پایگاه و نیز پلان گذاری خروج کامل قوای جنگی و تجهیزات مربوطه میباشد. علاوه بر تصویب سهمیه بندی امور مالی بین امریکا و ناتو در مورد تعلیم و تربیه نیرو های اردوی ملی و پولیس ملی افغانستان است که باید به سرعت آماده تأمین امنیت در افغانستان شوند، زیرا پس از سال 2014 قوای خارجی در تأمین امنیت در افغانستان دخالت مسقیم نخواهند داشت و این وظیفه خود افغانها خواهد بود، چنانچه جاش آرنست - سخنگوی قصر سفید ضمن تأکید بر امضای موافقتنامه تا ختم سال جاری به این موضوع اشاره کرد و گفت که: « برای حکومت افغانستان مهم است که این موافقتنامه را تاختم سال جاری تصدیق و امضا کند. این خواسته دلائل عملی دارد، زیرا حضور فعلی در افغانستان حضور ناتو میباشد، از اینرو ایالات متحده به پلان گذاری نیاز دارد، چه در داخل کشور و چه هم با متحدین آن تا هماهنگ بسازد که حضور ما پس از سال 2014 چگونه باشد.» (6)

هرگاه به گفته رئیس جمهور کرزی امضای موافقتنامه تا انتخاب رئیس جمهور جدید به تعویق افتد و معلوم نباشد که آیا نتیجه انتخابات در دور اول معلوم خواهد شد و یا به دور دوم خواهد رفت، در آنصورت بعد از امضای موافقتنامه بوسیله رئیس جمهور جدید، وقت بسیار کم برای تدارک آمادگی ها تا ختم 2014 برای امریکا و دیگر کشورهای ناتو باقی خواهد ماند که آنها از یکطرف نامطمئن بر سرنوشت موافقتنامه خواهند بود و از طرف دیگر فرصت لازم را برای آمادگی در این کار مهم و مشکل خواهند داشت.

در قبال این مشکلات باید به روحیه مردم امریکا و کشورهای دیگر مبنی بر ادامه حضور عساکر شان با ملاحظه تعهدات و مشکلات مالی آنها نیز نظر داشت و این احتمال را نباید دور از امکان دانست که بی باوریهها در زمینه امضای موافقتنامه و فضای سرد سیاسی بین رئیس جمهور کرزی و مراجع امریکائی و کشورهای ناتو فضای نامساعدی را به وجود خواهد آورد که آنها از ادامه همکاری در چهار چوب موافقتنامه منصرف شوند و به خروج کامل قوای خویش از افغانستان بپردازند که در اینصورت کمک های مالی آنها نیز به افغانستان بسیار محدود خواهد شد و آنوقت صدها سؤال در رابطه با آینده افغانستان به وجود خواهد آمد که از عواقب آن همه آگاه اند و من شمه آنرا طی مقاله قبلی خود بیان کردم. (7)

(پایان)

فهرست مأخذ:

- 1 - گزارش شکیلا ابراهیم خیل: منتشره طلوع نیوز، مورخ 30 عقرب 1392 (21 نوامبر 2013)
- 2 - آریانزی، احسان الله: «ملاقات دوم رئیس جمهوری با اهل خبره و رسانه ها»، منتشره افغان جرمن آنلاین، مورخ 3 دسامبر 2012
- 3 - براون، وندا فلپاب: «توافقتنامه امنیتی به نفع کیست: امریکا یا افغانستان؟»، ترجمه دری در سایت بی بی سی، مورخ 26 عقرب 1392 (17 نوامبر 2013)؛ این مقاله در پورتال افغان جرمن آنلاین، مورخ 19 نوامبر 2013 نیز به نشر رسیده است
- 4 - برگرفته از متن انگلیسی بیانیه سالانه رئیس جمهور اوباما که بتاريخ 2 فبروری 2013 در اجلاس مشترک سنا و مجلس نمایندگان امریکا ایراد کرد

Kagen, Kimberly and Kagen, Frederick: Why U.S. troops stay in Afghanistan, - 5

د پانو شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
پاډونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

Washington Post, November 24, 2012

6 – گزارش رادیو آزادی : «توافقنامه امنیتی و دفاعی باید قبل از 2014 امضا شود»، مورخ اول قوس 1392 (22 نوامبر 2013)

7 – کاظم ، س. ع.: «افغانستان در آستانه یک بحران عمیق سیاسی - اقتصادی»، منتشره پورتال افغان جرمن آنلاین، مورخ 2 دسامبر 2013

د پانوی شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ